

چرا ایرانی‌ها را در فرودگاه‌های خارجی معطل می‌کنند؟

انگشت‌نگاری، تشخیص چهره، بازجویی و پرکردن فرم‌های متعدد؛ اینها همه اتفاقاتی است که شاید هر ایرانی به خارج سفر کرده، در فرودگاه مقصد با آن مواجه شده باشد. این موضوع البته در سفر به کشورهایی که از لحاظ دیپلماتیک با ایران زاویه دارند پررنگ‌تر است.

صفحه ۹

« چگونه می‌اندیشیم؟»

مجمع تشخیص مصلحت (۲)



کومرث‌اشترینا

در نوشتار پیش گفتیم که مجمع تشخیص مصلحت از دو سرچشمه نظری بهره برده است: «نظریه مصلحت» و «مدل برنامه‌ریزی استراتژیک/ برنامه‌ریزی جامع» و گفتیم که مجمع در صورتی مفید باقی خواهد ماند که به وظایف حداقلی و مهم خود بازگردد. «سیاست‌های کلی» با ابهام مفهومی مواجه شده و به اشتباه انبوهی از «سیاست‌های برنامه‌ای» تولید شده است. با افزایش حیطه اختیارات هیئت نظارت بر سیاست‌های کلی، نهاد‌های کشور بیش از پیش مختل می‌شوند، پدیده سوء‌مصرف نهادی (institutional overdose) گسترش می‌یابد و در نهایت بازوهای اجرایی و تقنینی کشور را فلج می‌کند. اینک بقیه ماجرا...

۳- مجمع در انجام وظیفه اولیه خویش شاید بیش از چند یا چندین جلسه در سال نیاز نداشت؛ در چنین صورتی با همان تعداد معدود جلسات و همان شمار اندک از «حل معضل»‌ها شادابی خود را حفظ می‌کرد. اما آنگاه که وظایفی از جنس تمرکزگرایی دولت مدرن و برنامه‌ریزی جامع (در قالب سیاست‌های کلی و سیاست‌های برنامه‌ای) به دستور کار خود می‌افزاید سنگین می‌شود و به‌تدریج احساس می‌شود که در دیوان‌سالاری «کارش پیش نمی‌رود» و در انبوهی از تمایلات متکثر به‌تدریج دچار سرکشگی در فلسفه وجودی می‌شود. ۴- در تحقق وظیفه نظارت، مشکل اساسی آنجاست که مجمع، به افراط، انبوهی از سیاست‌ها را تولید کرده است. سیاست کلی باید در حد ۳، ۴ صفحه و چند سرخط کلی باشد. بهتر آن بود که هر سه سال یک بار این وظیفه به انجام برسد تا نظام اجرایی و تقنینی تکلیف خود را برای یک دوره چهارساله بدانند. مشکل بعدی آن بود که برای این حجم انبوه از سیاست‌ها مجمع در بی نظارت هم برآمد، آن هم به مفهوم انطباق قوانین و مقررات با انبوه سیاست‌ها و با مفهومی کُتدار به نام «سیاست کلی». مجمع در ابتدا صرفاً یک نهاد رافع اختلاف بود که در بازنگری قانون اساسی از یک «ادگاه سیاستی» یا نهاد پسینی حقوقی به یک نهاد مبدع سیاست‌گذاری دگردیسی پیدا کرد. نهاد‌ها، همچون انسان‌ها، ممکن است دچار اختلال هویتی شوند و از آنچه از ابتدا در نظر بوده است فاصله بگیرند؛ تا آنکه در نهایت بلاموضوع شوند.

۵- در گفت‌وگوهای مربوط به مجمع گاه سخن از ایفای وظیفه ماندن یک مجلس سنا به میان رفته است. مجلس سنا با وجود ظاهر تشریقاتی‌شان وظایف مهمی در حقوق اساسی دارند. عمده‌تا نقش آنها حفظ ساختارهای جغرافیای سیاسی، ثبات رژیم یا تداوم سنت‌های سیاسی است. در ایران اما مجمع، ترکیبی از مصلحت و برنامه‌ریزی جامع را از طریق پیش‌کسوتان وریش‌سفیدان سیاسی (بیشتر از یک جناح خاص) در هم آمیخته است و از فلسفه وجودی مجلس سنا فاصله دارد. شاید اساساً نیازی به چنین مجلس سنایی نداشته باشیم. اگر مجلس سنا تشکیل شود با توجه به گرایش‌های خودمحرانه و خودبزرگ‌بینی‌های برخی سیاستون عملاً مجلس قانون‌گذاری عریض و طویل دیگری تشکیل خواهد شد که به قفل‌شدن بیش از پیش امور منجر می‌شود.

۶- مجمع می‌توانست به مثابه عالی‌ترین نهاد «سازگاری سیاسی» نیز ایفای نقش کند؛ یعنی یکی مجلس سنای سیاسی با کارکرد موازنه‌بخشی به نیروهای درون حکومتی. در چنین شرایطی مجمع به عنوان نمادی از ملوک‌الطوایفی (یا ملوک‌الطایفه‌ای) سیاسی بلکه به مثابه نهادی که جامعه‌پذیری سیاسی نیروهای اجتماعی را از گرایش‌های گوناگون ممکن کند، تلقی می‌شد. پیش از این، معماری قدرت در ایران تا حدودی به این سو پیش رفته بود که «سازگاری سیاسی» را در قالب یک «نهاد سیاستی» به عرصه آورده بود؛ اینک دیگر اما از آن مسیر فاصله گرفته‌ایم.

۷- مجمع، از سویی، با تکرر سیاست‌ها عملاً به حوزه قانون‌گذاری وارد شده و مجلس را از وظیفه اصلی و قانونی‌اش فارغ کرده است. از سوی دیگر، به جای پرداختن به «سیاست کلی» دامنه فعالیت خود را به «سیاست‌های برنامه‌ای» گسترش داده و به بی‌مسئولیتی قوه مجریه (irresponsibility) نیز دامن زده است. آنگاه که نهاد‌های متعدد به قانون‌گذاری یا اعمال شبه‌قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری بپردازند، یکدیگر را تضعیف می‌کنند. این بدان معناست که به لحاظ ساختاری، سیستم به خلع سلاح نهادی خود برخاسته و بازوان خود را فلج کرده است. ۸- دو سرچشمه نظری که در ابتدای این نوشتار بدان اشاره شد اساساً قابل انطباق یا متعلق به مدرنیته است و در آن روایتی که از حکومت مدرن وجود دارد پذیرفته شده است. به مدد فناوری «دیجیتال» و انقلاب چهارم صنعتی مردم با تکرر و نسبی‌گرایی در شبکه‌های اجتماعی و جامعه مدنی بین‌المللی روبه‌رو شده‌اند. یعنی پست‌مدرنیته را در عمل و به شکلی سطحی فهم می‌کنند. این، خود پدیده‌ای عجیب و منحصر‌به‌فرد در تاریخ بشر است. این انقلاب بیش از هر چیز انقلاب «خود-اطهاری» توده‌های انسانی است که دیگر ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اداری مدرنیته پاسخ‌گوشان نیست.

ادامه در صفحه ۵



یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۱ • ۱۵ رمضان ۱۴۴۳ • ۱۷ آوریل ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۵۹ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: رقابت برای تصاحب توئیتر بالا می‌گیرد، چرا ناظم متخلف معرفی نشد؟، قاچاق انسان یا قاچاق مهاجر؟ و یادداشت‌هایی از علی مجتهدزاده، بهرام امیراحمدیان، محمود فاضلی، ناصر ذاکری، احسان هوشمند

«شرق» افزایش تقاضای مهاجرت از ایران و پیامدهای ناخوشایند آن برای توسعه را بررسی می‌کند

ذوق رفتن یا شوق نماندن؟



بیداد اجاره‌ها

ریزش فقرا به حاشیه شهر
در محلات فقیرنشین تهران
شدت گرفته است

۵۰متری ۲۳ سال ساخت، ۵۰ میلیون تومان رهن و دومیلیون و ۶۰۰ هزار تومان اجاره داده می‌شود. در محله پاسگاه نعمت‌آباد هم که به بازار کهنه‌فروشی خلایز معروف است، یک آپارتمان ۶۰متری قدیمی، ۳۰ میلیون تومان رهن و دومیلیون و ۵۰۰ هزار تومان اجاره داده می‌شود. اجاره‌بها در شوش و میدان خراسان هم تقریباً در همین بازه قیمت است.

امسال حداقل دستمزد پایه کارگران به حدود چهارمیلیون و ۱۸۰ هزار تومان رسیده است و بسیاری از کارگران تهرانی به شرط آنکه پس‌انداز مناسبی برای رهن خانه داشته باشند، ناچارند حداقل نیمی از حقوق خود را به عنوان اجاره‌خانه بپردازند. هرچند بسیاری از این کارگران دستمزدهای قانونی نمی‌گیرند و بیمه ندارند یا اگر از دستمزدهای قانونی برخوردار باشند، مدام در معرض اخراج و تعدیل هستند. مشاوران املاک تهران می‌گویند با صعود سرسام‌آور اجاره‌بها، پایتخت دیگر جای زندگی کارگران نیست و بسیاری از آنها به حاشیه شهر رانده شده‌اند. آنها توضیح می‌دهند که ریزش قدرت خرید مردم، تقاضای اجاره در محلات جنوبی شهر را افزایش داده و همین موضوع شرایط را برای مستاجران فقیر دشوارتر از همیشه کرده است.

این گزارش را در صفحه ۵ بخوانید

تهران بنا بر اعلام مرکز آمار ایران، مستاجر‌نشین‌ترین استان ایران است و گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران حاکی از آن است که حدود چهار میلیون تهرانی حاشیه‌نشین هستند یا در بافت ناکارآمد و سکوتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند.

باین‌حال، اجاره‌بها در پایتخت ایران سر به فلک می‌گذارد و رقم اجاره‌خانه در محله‌های فقیرنشین تهران که گاهی در همسایگی حاشیه‌نشینان است، باورنکردنی به نظر می‌رسد؛ اجاره‌های گزافی که این روزها بنا بر گفته مشاوران املاک، در حال پس‌زدن کارگران از پایتخت است. آخرین گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در زمستان ۱۴۰۰ مستاجرانی که قرارداد اجاره خود را تمدید کرده‌اند، به‌طور میانگین با ۵۰۹ درصد افزایش اجاره‌بها مواجه شده‌اند. در محله‌های فقیرنشین شهر اما اوضاع خانه‌به‌دوش‌ها وخیم‌تر است. در منطقه دولتخواه، جایی که مردم شانه به شانه حاشیه‌نشینان هستند، یک آپارتمان ۶۰متری نیاز به صد میلیون تومان ودیعه و بین دومیلیون و صد تا دومیلیون و ۵۰۰ هزار تومان اجاره دارد. در عبدالآباد هم که یکی دیگر از محله‌های زندگی فقیرترین تهرانی‌هاست، یک آپارتمان

متن و حاشیه

کمالوندی:

ماشین‌های تولید قطعات سانتریفیوژ به جای امن‌تری منتقل شدند

سخنگوی سازمان انرژی اتمی ایران تأکید کرد: ماشین‌های تولید قطعات سانتریفیوژ به دلیل اهمیت بالایی که دارند به مکانی امن‌تر جابه‌جا شدند و اکنون نیز در حال کار هستند. به گزارش ایلنا، بهروز کمالوندی درباره انتقال برخی تأسیسات هسته‌ای از مجموعه تسای کرج به نظنز گفت: برای توسعه و تولید ماشین‌های سانتریفیوژ، تأمین و امنیت برنامه‌های کلی داریم؛ ازاین‌رو متأسفانه به دلیل عملیات تروریستی که علیه تسای کرج صورت گرفت، مجبور به تشدید تدابیر امنیتی شدیم که بخش مهمی از این ماشین‌ها را

خواهر بزرگوار
سر کار خانم نرگس رحمانی(گلدسته)
درگذشت تأسفبار فرزند عزیزتان
محمد زمان گلدسته مداح و شاعر آیینی و ملی را تسلیت می‌گوییم و مبر و سلامتی برای شما و آمزش برای آن مرحوم از خداوند منان خواهیم.
نسرین اکبری‌نژاد، مصطفی سبطی، عاطفه پهلوان، حسین کبیر، ملیحه سبطی حسین رفتگی، اشرف حسین‌نژاد، رامین اخلومدی، عادل کشمیری مریم آسیابان، مریم حسینی، ابوالفضل احمدی، جواهر رایج، جبار ایری محمدهاشم، عبدالصمد، عبدالناصر، ابراهیم، سعید و عبدالسلام مهمینی هاجر عامریان، کلثوم غفاری، صدیقه نصیری، محمود سالاری حسین شیخ‌ویسی، علی کلاتی، محمدحسین علی‌اصغری،روح‌اله کلاتری محمدرضا ایزد، مهدی بهزادیان، علی‌اصغر احمدی، محمدرضا صالحی ابوالفضل دوست محمدیان، عبدالله میراکبری، علی‌اصغر فضیلت سید رضی و جواد قدس علوی، علویه یعقوب‌زاده و مهدی رحمانیان



صفحه ۳

محسن روحی صفت، سرپرست سابق سرکنسولگری ایران در افغانستان: ناتوانی طالبان در حکومت‌داری، تنش با همسایگان را اجتناب‌ناپذیر می‌کند

گروه دیپلماسی: هفته گذشته با حوادث تلخی در مناسبات ایران و افغانستان همراه بود؛ حوادثی که به نظر می‌رسد با هدف ایجاد تنش بین تهران و کابل، ذیل تحریک مردم افغانستان صورت گرفته است.

روایت احمد غلامی از مکان‌ها و آدم‌ها
این روایت: **محمود دولت‌آبادی**
عهدنامه ترکمانچای
در قهوه‌خانه وطن



رئیس مجلس طرح صیانت را به شورای عالی فضای مجازی فرستاد

«صیانت» در زمین دولت

۲

یادداشت‌روزنامه‌نگاران

چاله اصولگرایان



محمد مهاجری

روزگار اصلاح‌طلبی حتی اگر به لحاظ فکر و نظر سپری نشده باشد، از حیث حضور عملیاتی در مناصب سیاسی و اجرایی به پایان رسیده است. این درست است که برخی تنگ‌نظری‌ها، ردصلاحیت‌ها و کنارزدن‌ها این فرایند را رقم زده؛ اما رفتار پخش مؤثری از اصلاح‌طلبان نیز شیب حذف جریان را سرعت بخشیده که جای بحث آن اینجا نیست. نتیجه اینکه در انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۸ و پس از آن در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰ اصلاح‌طلبان کاملاً از صحنه حذف شدند و تقریباً هیچ فعالیت مشمرتمری از آنها مشاهده نمی‌شود. بعد از روی‌کارآمدن دولت آقای رئیسی، اصلاح‌طلبان تا مدتی به سکوت گذراندند و حتی بنا را بر تعامل گذاشتند؛ اما به‌زودی دریافتند قرار نیست به بازی گرفته شوند. تعبیر پرکاربرد «بانیان وضع موجود»، معنایش این است که حتی اصولگرایان غیرهمسو با دولت نیز محلی از اعراب ندارند، چه برسند به اصلاح‌طلبان. خوب یا بد، خوشایند یا ناخوشایند، الان دیگر تخته جماعت اصلاح‌طلب وسط نیست و همه تصمیمات در دایره بسته‌ای اتخاذ می‌شود که اصولگرایان (البته همه آنها) در آن سهم دارند. در شرایط فعلی اصلاح‌طلبان به دلیل گناهانی که از گذشته به آنها نسبت داده می‌شود (نظیر اباحه‌گری، غرب‌زدگی، بی‌دینی، بی‌توجهی به ارزش‌ها و...) نمی‌توانند وسط میدان باشند. حتی اگر وارد نقد دولت سیزدهم شوند، به دلیل سوابقی که از آنها ذکر شد، محکوم‌اند و حق حرف‌زدن ندارند.

اصولگرایان اکنون قدرت بلامنازع هستند و همین می‌تواند به پاشنه آشیل آنها تبدیل شود.

ادامه در صفحه ۴

